فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال سیزدهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳؟
پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸
صفحات:۸۳-۶۹
10.52547/mmi.2245.14011018

انتخاب الگوی مناسب ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی در ایران

عرفان پاکزاد* احمد شاهیوندی کیومرث ایراندوست*****

چکیده

پدیدۀ اسکان غیررسمی اکنون در بیشتر شهرهای بزرگ و متوسط کشور در صدر چالش‌های مدیریت شهری قرار گرفته است. باوجود اقدامات انجام‌شده در دهه‌های اخیر، هنوز تغییر شگرفی در کیفیت زندگی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با هدف انتخاب الگویی جامع برای ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی در ایران، به بررسی رویکردهای نوین مواجهه با اسکان غیررسمی پرداخته است. بعد از بررسی منابع متعدد، ۴۲ دیدگاه مطرح‌شده بعد از توانمندسازی، شناسایی شد. سپس با کمک روش کیفیِ نظریه زمینه‌ای و استفاده از کدگذاری‌های باز، محوری و مرکزی، ۵ نوع دسته‌بندی مختلف برای این دیدگاه‌ها تعریف گردید. دسته‌بندی براساس ماهیت که همان سلسله‌مراتب مفهومی است و شامل: پارادایم، نظریه، رویکرد، راهبرد، الگو و برنامه است، مبنای انتخاب قرار گرفت. برمبنای اولویت این پژوهش، از میان ۶ دستۀ مفهومی، برای ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی الگو انتخاب شد. از میان ۱۵ الگوی شناخته‌شده، ۷ الگو که در تقسیم‌بندی براساس جامعیت، در دسته الگوهای جامع قرار داده شدند با کمک Delphi-AHP مورد آزمون قرار گرفتند. بدین منظور از نمرات انتسابی ۲۴ متخصص براساس ۷ معیار، استفاده شده و بعد از اجرای دقیق تکنیک فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، الگوی ارتقابخشی درجا به‌عنوان مناسب‌ترین رویکرد برای ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی انتخاب شد. همچنین الگوی مسکن همکارانه به‌عنوان الگوی انتخابی دوم و الگوی راهبرد توسعه شهری به‌عنوان الگوی انتخابی در شرایط هم‌وزن بودن معیارها نیز دارای ظرفیت‌های بسیاری برای ساماندهی اسکان غیررسمی در ایران هستند.

کلیدواژگان: اسکان غیررسمی، توانمندسازی، ارتقابخشی، نظریه زمینه‌ای، تحلیل سلسله‌مراتبی دلفی.

* دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). e.pakzad.k@gmail.com
** استادیار، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
*** دانشیار، گروه شهرسازی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

مقدمه

انقلاب‌های صنعتی و فنّاورانه، باعث شدند جمعیت‌های بسیاری برای بهبود زندگی خود به شهرها مهاجرت کنند؛ همین امر باعث افزایش جمعیت شهری در زمانی کوتاه شد، به‌گونه‌ای که امروز، بیش از ۵۴درصد انسان‌ها در شهرها زندگی می‌کنند. در نتیجهٔ این مهاجرتِ گسترده و نابسامانی اقتصادی، سیاسی و ساختاری، سکونت‌گاه‌های غیررسمی گزینه‌ای برای زندگی اقشار مهاجر کمتر برخوردار از امکانات گشت (Mohammed, 2015: 88; Richards et al., 2006: 381). براساس آمارهای خوش‌بینانه، سال‌هاست که جمعیت ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی از یک میلیارد نفر عبور کرده است(UN-Habitat, 2011: 126). نگرانی آنجاست که اگر سرعت رشد این سکونت‌گاه‌ها، این چنین ادامه یابد، جمعیت ساکن در این نواحیِ محروم و مسئله‌دار در سال ۲۰۳۰ از دو میلیارد نفر عبور خواهد کرد (Ghoneim, 2014: 109). امروزه، حدود یک‌چهارم جمعیت شهری دنیا و بیش از یک‌سوم مردمان کشورهای درحال توسعه، در این سکونت‌گاه‌ها زندگی می‌کنند (Saad et al., 2019: 244). اکنون اسکان غیررسمی پدیده‌ای معمولی در تمامی شهرهای بزرگ کشورهای درحال توسعه گردیده و دیگر برای مدیران شهری فاجعه به شمار نمی‌رود؛ بلکه چالشی است که مسئولین می‌بایست برای آن چاره‌ای بیاندیشند (Khalifa, 2011: 46). اگرچه سازمان‌های بین‌المللی همچون: مرکز اسکان بشر، بانک جهانی، سازمان ائتلاف شهرها و نیز حکومت‌ها و حاکمیت‌های ملی و محلی، تلاش‌های بسیاری در این زمینه انجام داده، اما همچنان سرعت رشد اسکان غیررسمی صعودی است (پاکزاد و سالاری، ۱۳۹۶: ۳). درواقع سرعت رشد اسکان غیررسمی بسیار بیشتر از سرعت اقدامات و برنامه‌هاست؛ به همین روی نمی‌توان بهبودی چشمگیر در این زمینه مشاهده کرد (Vassudevan, 2015: 349; Khalifa, 2011: 44).

عبارت ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی مفهومی مبهم است و به تمام اقداماتی اطلاق می‌گردد که برای بهبود شرایط عمومی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی صورت می‌گیرد. این بدان معناست که طیف گسترده‌ای از اقدامات و متعاقب آن، طیف عظیمی از دیدگاه‌ها در قلمرو مفهومی ساماندهی می‌گنجند (Abbot, 2002b: 319). وجود سکونت‌گاه‌های غیررسمی متعدد و افزوده شدن به جمعیت ساکنان آن‌ها خود گواهی است که این اقدامات و دیدگاه‌ها، چندان موفق و کارآ نبوده‌اند. هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها کامل نبوده و همین نقص، باعث عدم تعمیم‌پذیری آن‌ها شده است (Ioannidis et al., 2009: 71; Khalifa, 2015: 42). با این وجود، هرکدام جنبه‌های مثبتی دارند که بعد از استخراج و فهم آن‌ها، می توان از بهترین آن‌ها برای غلبه بر مشکلات اسکان غیررسمی استفاده کرد. حال دیگر زمانی برای کشف و برساختن دیدگاه‌های جدید و انجام تجربیات تازه نیست، بلکه باید تمام تلاش خود را صرف شناسایی، ارتقا و کاربست بهترین دیدگاه‌ها کرد (Owen and Wong, 2013: 111; Abbot, 2002b: 323).

بعد از تغییر پارادایمی که بعد از معرفی دیدگاه توانمندسازی -به عنوان پارادایم مهندسی اجتماعی- برای مواجهه با اسکان غیررسمی صورت گرفت، پیشرفتی واضح در ادبیات اسکان غیررسمی ایجاد شد. دیدگاه های نوین بسیاری معرفی شدند، رشته‌ها و گرایش‌های نزدیک و دور بسیاری برای اسکان غیررسمی، پیشنهاداتی ارائه دادند و بسیاری از دیدگاه های کلاسیک، به‌روز شدند. با وجود این پیشرفت‌ها در مبانی نظری اسکان غیررسمی، هنوز این دیدگاه‌ها پراکنده هستند و کماکان چارچوبی نظری برای معرفی این دیدگاهها وجود ندارد (Ibid, 2013: 109; Hurskainen, 2004: 281). در این مقاله تلاش شده تا ضمن معرفی دیدگاه‌های بعد از توانمندسازی و دسته‌بندی آن‌ها، متناسب وضعیت ایران، یکی از این دسته‌ها برای ساماندهی انتخاب؛ و از آن پس با نظر کارشناسان بهترین دیدگاه موجود در دسته انتخابی برای ساماندهی نمونه موردی برگزیده شود. برای دسته‌بندی دیدگاه‌ها از روش نظریه زمینه‌ای[1] و برای انتخاب بهترین دیدگاه نیز از روش تحلیل سلسله‌مراتبی دلفی[2] استفاده شده است.

هدف پژوهش حاضر، یافتن بهترین الگو برای ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی در ایران است. بر همین اساس اهداف فرعی پژوهش عبارتند از:

- شناسایی و دسته‌بندی رویکردهای نوین ساماندهی اسکان غیررسمی در جهان؛
- بررسی الگوهای نوین جهانی ساماندهی اسکان غیررسمی؛
- رتبه‌بندی الگوهای ساماندهی اسکان غیررسمی در ایران.

بدین منظور ابتدا دیدگاه‌های جدید مواجهه با اسکان غیررسمی شناسایی، سپس این دیدگاه‌ها دسته‌بندی شده و از میان آن‌ها، الگوهایی که قابلیت اجرایی و نیز تعمیم‌پذیری دارند، با نظر کارشناسان آزمایش می‌شوند. در بخش دوم به روش‌شناسی پژوهش پرداخته می‌شود. پس از آن در بخش سوم، مبانی نظری ساماندهی اسکان غیررسمی مرور می‌گردد. سپس در بخش چهارم یا نتایج و یافته‌ها گزینه مناسب انتخاب می‌گردد.

پیشینه تحقیق

از نظر کنشی می‌توان این مقاله را به سه بخش: شناسایی، دسته‌بندی و گزینش تقسیم‌بندی کرد. انتخاب بهترین دیدگاه برای ساماندهی یک سکونت‌گاه غیررسمی، موضوع تازه‌ای نیست و نمونه‌های داخلی و خارجی بسیاری در این زمینه وجود دارد. آنچه این مقاله را از نظر نوآوری متمایز می‌کند، شناسایی دقیق دیدگاه‌ها، دسته‌بندی درست آن‌ها و انتخاب براساس این شناسایی و دسته‌بندی است. پژوهش‌های مشابه نسبتاً بسیاری با پژوهش کنونی هست که هریک تفاوت‌هایی با پژوهش حاضر دارند. این پژوهش‌ها را می‌توان در ۴ دسته قرار داد:

- پژوهش‌های بسیاری که تجربیات، دخالت‌ها و سیاست‌های محلی را معرفی می‌کنند. اکثر آن‌ها در آسیا، آمریکای جنوبی و آفریقا انجام شده‌اند (Huchzermeyer, 2006; Patel, 2013: 216; Perlman, 2010; Khalifa, 2015).
- پژوهش‌های بسیاری که درصدد معرفی یا تدوین یک دیدگاه برای یک شهر یا محله خاص هستند (اسکندری و فتح‌جلالی، ۱۳۸۹؛ Lombard, 2011).
- پژوهش‌های اندکی که به دلایل متفاوتی همچون: شناسایی سیاست‌های شکست‌خورده، معرفی تجربیات موفق و استخراج یک دیدگاه جدید از اقدامات قبلی، به معرفی دیدگاه‌های مواجهه با اسکان غیررسمی پرداخته‌اند (UN-Habitat, 2003, 2008a, 2008b; Abbot 2002a; Wekesa et al., 2011).
- و چند پژوهش که به دسته‌بندی دیدگاه‌ها پرداخته‌اند. سه پژوهش شاخص در این زمینه پژوهش "هاشزمایر" (Huchzermeyer, 1999)، "ابوت و داگلاس" (Abbot and Douglas, 2001) و بانک جهانی (World Bank, 2015) است. هاشزمایر همه دیدگاه‌ها را به دو دسته: دیدگاه‌های ساماندهی جامع با تدوین خارجی و دخالت‌های پشتیبانی‌محور تقسیم می‌کند؛ که دستهٔ دوم را نیز به دو بخش: دخالت‌های دولتی و دخالت‌های سمن‌ها تقسیم می‌کند. ابوت و داگلاس نیز دیدگاه‌ها را به سه دستهٔ: دیدگاه تدریجی برای بهبود کالبدی، ریزبرنامه‌ریزی در سطح اجتماع و ایجاد یک برنامه جامع و بانک جهانی نیز به سادگی دیدگاه‌ها را به سه دستهٔ: دیدگاه‌های فضایی، دیدگاه‌های اجتماعی و دیدگاه‌های اقتصادی تقسیم می‌کند.

روش پژوهش

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، این پژوهش شامل سه بخش است و هر بخش مستلزم استفاده از یک روش خاص است که به علت استفاده از هر دو روش کمّی و کیفی، می‌توان پژوهش حاضر را از نظر روش تحقیق، ترکیبی دانست. در بخش شناسایی روش‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این پژوهش توانمندسازی به‌عنوان نقطه عطف در نظر گرفته شده و دیدگاه‌های پیش از آن، دیدگاه‌های کلاسیک و دیدگاه‌های پس از آن، دیدگاه‌های نوین برچسب‌گذاری شدند. بر همین مبنا، پس از بررسی دقیق منابع و رسیدن به اشباع نظری، ۴۲ دیدگاه نوین برای بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی شناسایی شد.

برای دسته‌بندی دیدگاه‌ها، روش نظریه زمینه‌ای به کار گرفته شده که یکی از روش‌های کیفی شناخته‌شده برای دسته‌بندی کردن است (Khan, 2014: 231; Mohajan, 2018: 33). از این روش می‌توان برای سه منظور: توصیف، سازماندهی مفهومی و نظریه‌پردازی استفاده کرد. دسته‌بندی کردن درواقع یکی از زیرمجموعه‌های سازماندهی مفهومی است که به معنای قرار دادن داده‌ها در دسته‌ها و گروه‌ها براساس ویژگی‌ها و ابعاد، به منظور ارائهٔ مفاهیم است. دو زیر مجموعهٔ دیگر این تکنیک از روش نظریه زمینه‌ای: شرح حال مردم‌شناسانه و معرفی فرایندهاست (Strauss and Corbin, 1998: 99; Glaser and Strauss, 2009: 82). همانند سایر روش‌های کیفی، این روش نیز دارای سه مؤلفهٔ: داده‌ها، فرایند و محصول نهایی است. داده‌ها همان اطلاعاتی هستند که از کتب و مقالات استخراج می‌شوند. فرایند این روش، کدگذاری نام دارد که به معنای مفهوم‌سازی، کاهش داده‌ها، معرفی دسته‌ها و مرتبط‌سازی آن‌هاست (Handcock et al., 2009: 22; Glaser and Strauss, 2009: 78). فرایند کدگذاری خود دارای سه مرحله: کدگذاری باز، محوری و مرکزی است؛ در مرحله اول می‌بایست، تمامی داده‌ها شکسته و باز شوند تا بتوان از آن‌ها مفهومی بیرون کشید. در این مرحله باید ویژگی‌ها شناسایی شده و براساس آن‌ها دسته‌ها تشکیل شوند. در مرحله دوم که نسبت به مرحله اول خلاقانه‌تر است، می‌بایست این ویژگی‌ها، دسته‌ها و زیردسته‌ها به هم مرتبط شوند. خلاقیت از این جهت بالاتر است که ویژگی‌ها و دسته‌ها از پیش وجود دارند اما پژوهشگر است که باید رابطه بین آن‌ها را کشف یا خلق کند. در مرحله سوم باید بعد از اشباع نظری انجام، دسته‌بندی‌ها معرفی شده و دسته‌ها براساس ویژگی‌های‌شان معرفی شوند (Strauss and Corbin 1998:

. 91; Charmaz, 2006: 107; Mohajan, 2018: 32) محصول نهایی این مرحله دسته‌بندی دیدگاه‌هاست. در این پژوهش، ۴۲دیدگاه شناخته‌شده براساس ۵ویژگی شناخته‌شده، در ۵دسته قرار گرفته‌اند. روش‌شناسی دسته‌بندی دیدگاه‌ها براساس روش نظریه زمینه‌ای در تصویر ۱ نشان داده شده است.

برای گزینش دیدگاه‌ها از تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی دلفی یا اصطلاحاً Delphi-AHP استفاده شده که یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌های انتخاب میان گزینه‌هاست. این تکنیک ترکیبی از دو تکنیک تحلیل: سلسله‌مراتبی و دلفی است. تکنیک AHP براساس ماتریس‌های زوجی مقایسه معیارها کار می‌کند و روش دلفی، نظرات گروهی خبرگان و کارشناسان را به کار می‌گیرد. تکنیک Delphi-AHP دارای ۱۰ مرحله، از انتخاب خبرگان و انتخاب معیارها تا قضاوت نهایی است (برای اطلاعات کامل‌تر ر.ک؛ vidal et al., 2011 Poompipatpong & Kengpol, 2013). برای تشکیل گروه خبرگان از ۲۴ متخصص حوزه اسکان غیررسمی: ۳استاد دانشگاه، ۴دانش‌آموخته دکتری، ۳دانشجوی دکتری، ۶دانش‌آموخته ارشد و ۸ دانشجوی ارشد در رشته‌های شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و جامعه‌شناسی که با حوزه اسکان غیررسمی و وضعیت اسکان غیررسمی در ایران و روش AHP آشنایی دارند، یاری گرفته شد.

مبانی نظری

مفهوم اسکان غیررسمی

سکونت‌گاه‌های غیررسمی غالباً در خارج از عرصه قانونی شهر واقع شده که به‌صورت شتابان (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۰) و خودساخته شکل گرفته‌اند و با تصرف غیرقانونی یا مالکیت سنتیِ (Nabutola, 2004: 2) کمبود شدید خدمات و امکانات زیرساختی و استفاده غیررسمی از تأسیسات و تجهیزات شهری، توسعهٔ سریع کالبدی و جمعیتی، اشتغال غالب غیررسمی، ناپایداری سازه‌ای و تأسیساتی، پایین بودن سرانه‌های خدماتی، ناپایداری درآمد (شیعه و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰ و کاویانی‌راد و عزیزی، ۱۳۹۲: ۷۶)، توسعهٔ غیرساختاری و غیر برنامه‌ریزی‌شدهٔ کالبدی شناخته می‌شوند (Nabutola, 2004: 2). مساکن آن‌ها عمدتاً یک طبقه به وسیله خود ساکنان با مصالح ارزان‌قیمت و گاه دست‌دوم (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۱)، با ساختی غیرحرفه‌ای و نامناسب و با استفاده از مهارت، فناوری و طراحی بومی و عمدتاً زیرسطح استانداردهای رایج (akhmat and mahroofkhan, 2011:57)، با بافتی فشرده و دسترسی نامناسب (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۱)که در زمین‌های پست و نامرغوب شهری ساخته شده‌اند. این مساکن عمدتاً قطعاتی ارگانیک با مساحت کم، سطح اشغال بالا، کیفیت پایین کالبدی و بدون نماسازی هستند (شیعه و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۹).

دیدگاه‌های پیشین مواجهه با اسکان غیررسمی

رویکردهای پیشین یا به تعبیری کلاسیکِ مواجهه با پدیدهٔ اسکان غیررسمی، با توجه به شرایط دولتی، نوع سکونت‌گاه و تفکرات غالب جهانی، طیف بسیار وسیعی از نادیده گرفتن تا توانمندسازی را دربر می‌گیرند. هرچند این راهبردها در برهه‌ای از زمان به‌عنوان سرمشقِ غالب مورد توجه حکومت‌ها و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته، اما تقریباً هیچ‌کدام از آن‌ها به‌طور کلی فراموش نشده‌اند. برخی از این رویکردها نیز به علت برخورداری از نکات مثبت و البته تجارب نسبتاً موفق پیاده‌سازی و به‌روزرسانی و با ایجاد تغییراتی، دوباره مطرح شده‌اند (پاکزاد و سالاری، ۱۳۹۶: ۲۱). دیدگاه‌های کلاسیک عبارت‌اند از: نادیده‌گیری (ر.ک: گلدبرگ، ۱۳۸۷؛ ایراندوست، ۱۳۸۹)، حذف و تخلیه اجباری (ر.ک: Celhay and Gill, 2020)، خودیاری (ر.ک: ورولین، ۱۳۸۹؛ Parikh et al., 2020)، مسکن عمومی (ر.ک: UN-Habitat, 2008b)، اسکان دوباره (ر.ک: UN-Habitat, 2008b)، طرح‌های مکان و خدمات (ر.ک: Celhay and Gill, 2020; Mekawy, 2014; UN-Habitat, 2003: 127) و ارتقابخشی (ر.ک: Cities alliance, 2013; Parikh et al., 2020).

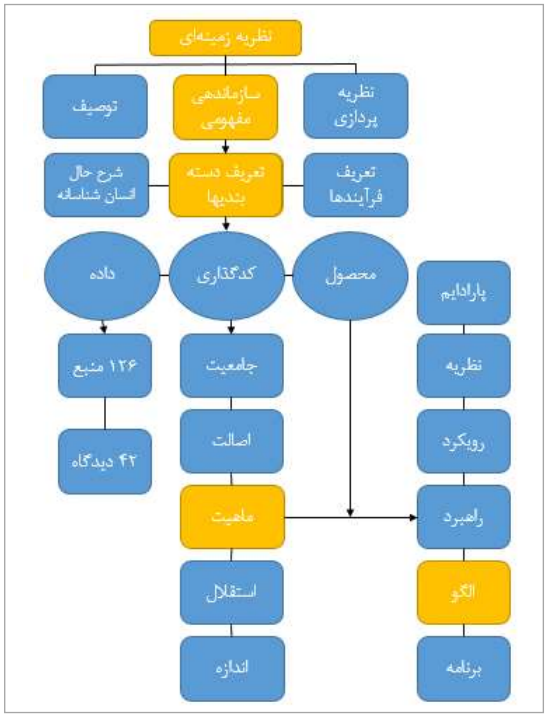

تصویر ۱. فرایند دسته‌بندی دیدگاه‌ها (نگارندگان)

توانمندسازی

در نیمه دوم دهه ۸۰ میلادی در جهت یافتن سیاستی که هم ضعف ندیدن اقتصاد خانوار و عدم استفاده از توان جمعی را بپوشاند و هم قابلیت استفاده برای سکونت‌گاه‌های موجود را داشته باشد، راهبرد توانمندسازی به همراه ارتقا یا بهسازی محیط‌های موجود تدوین و توصیه شد (پاکزاد و سالاری، ۱۳۹۶: ۷۳). پس از آن، دیدگاه توانمندسازی برای سرپناه، برای اولین بار سال ۱۹۹۸ و در سند راهبرد جهانی سرپناه برای سال ۲۰۰۰ مطرح شد، پیش از آن برنامهٔ ساماندهی دولت‌ها را خود دولت‌ها می‌نوشتند (Majale, 2008: 276). بانک جهانی، توانمندسازی را راهبردی تعریف کرده است که باید توسط دولت‌ها از تولید، اعتباردهی و نگهداری مسکن به سمت بهبود کارایی بازار مسکن خصوصاً در بخش عرضه، حرکت کنند (Amanda, 2012: 598). توانمندسازی تلفیقی از دو اندیشه است؛ منابع کافی نیستند و بیکاری بالاست. توانمندسازی، راهکاری جدید برای حل فقر شهری است که دیگر کار کالبدی و تزریق پول را راهگشا نمی داند، بلکه مهندسیِ اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال مورد نظر است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷).

دیدگاه‌های نوین مواجهه با اسکان غیررسمی

طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ بسیاری از کشورها برنامه‌های مسکن و اسکان غیررسمی خود را در انطباق با رویکرد توانمندسازی بازتعریف کردند اما توفیق آن‌چنانی حاصل نشد. شاید بتوان دلیل آن را این دانست که می‌بایست اکثر برنامه‌های توانمندسازی اجراشده را به سیاست نه به استراتژی نزدیک دانست (UN-Habitat, 2006: 168). مرکز اسکان بشر اخیراً اقرار کرده که رویکرد توانمندسازی در مواجهه با اسکان غیررسمی چندان کارآ نبوده است و دولت‌ها باید دوباره در امر مسکن و اسکان غیررسمی حضور فعالی داشته باشند (Croese et al., 2016: 238). به همین علت، علی‌رغم تغییرات شگرفی که از طریق توانمندسازی ایجاد شده، ضرورت تدوین دیدگاه نوین احساس می‌شود. طبق گزارش هبیتات ۷دلیل برای آگاهی از عملکرد رویکردهای نوین در سکونت‌گاه‌های غیررسمی بعد از توانمندسازی قابل شمارش است:

۱. باوجود موفقیت‌های اخیر در مواجهه با سکونت‌گاه‌های غیررسمی، هنوز سرعت رشد این نوع سکونت‌گاه از سرعت کنترل آن بیشتر است یعنی هنوز بهترین رویکرد تدوین نشده است.
۲. سیاست‌های مسکن بر تمامی بخش‌ها تأثیرگذار است و تدوین رویکرد بهینه، می‌تواند به بهبود اوضاع دولت و شهروندان کمک کند.
۳. راهبردهای مختلفی وجود دارد؛ هر راهبرد کاربرد خاص خود را دارد.
۴. چالش‌های جدیدی درباره راهبردهای مواجهه، به وجود آمده که نیاز به اصلاح دارند؛ همانند دور بودن اکثر سکونت‌گاه‌های جدید از محل اشتغال و بالا بودن هزینهٔ رفت‌وآمد.
۵. دیدگاه‌های کمی درباره ساماندهی بدون جابجایی سکونت‌گاه‌های غیررسمی وجود دارد.
۶. جای برنامه‌ریزی شهری در برنامه‌ها خالی است ازاین‌رو، جوامع ساماندهی‌شده عمدتاً شکاف اجتماعی دارند.
۷. چالش‌های جدیدی مثل بحران مالی و رکود، جدایی‌گزینی شهری، افزایش اختلاف طبقاتی، کاهش کیفیت محیط و تغییرات اقلیمی درحال گسترش بی‌سابقه هستند (UN-Habitat, 2005: 39).

برای دسته‌بندی و برچسب‌گذاری دقیق رویکردها از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. بعد از بررسی مقدماتی این رویکردها با کمک تکنیک‌های کدگذاری باز و محوریِ نظریه زمینه‌ای، مقوله‌های ماهیت، جامعیت، اصالت، استقلال و اندازه به‌عنوان مقولات مشترک میان این رویکردها شناسایی شده و هرکدام در زیرمقوله‌هایی برای دسته‌بندی‌های داخلی قرار گرفتند. این مقولات و زیرمقولات در تصویر۲ نشان داده شده‌اند. بعد از شناسایی ۴۲رویکرد نوین متفاوتی که تا کنون شناسایی شده‌اند، می‌توان حداقل از ۵نوع متفاوت از رویکردها: پارادایم، راهبرد، رویکرد، الگو و برنامه نام برد که کاملاً از نظر ماهیت متفاوت از هم هستند. تفاوت این ۴۲رویکرد تنها به ماهیت آن‌ها ختم نمی‌شود بلکه این رویکردها از ۴جنبهٔ دیگر: جامعیت، اصالت، استقلال و اندازه با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند.

منظور از دسته‌بندی براساس جامعیت، گسترهٔ بررسی دیدگاه‌هاست. به بیان دیگر دیدگاه‌های جامع به دیدگاه‌هایی اطلاق می‌شود که پیشنهادات آن در همهٔ جنبه‌های سکونت‌گاه‌های غیررسمی کاربرد داشته و هر بخش، برنامهٔ خاص بالفعل یا بالقوه را داراست. دیدگاه‌های اصیل برای مواجهه با پدیدهٔ اسکان غیررسمی پیشنهاد و به کار گرفته شده است. این دیدگاه‌ها از اصول یا دستورکار مشخص جامع یا بخشی از آن برخوردارند؛ و دیدگاه‌های دخیل از سایر بخش‌های مطالعات شهری وارد حیطهٔ اسکان غیررسمی شده و یا قابلیت وارد شدن به آن‌ها را دارند. دیدگاه‌های نیمه‌اصیل تنها به اسکان غیررسمی محدود نشده و در حیطه‌های دیگر نیز کاربرد

دارند. منظور از رویکردهای مستقل، آن نوع از رویکردهاست که خود دارای پایه‌های نظری مستقل بوده و به رویکردی دیگر وابسته نیست. در مقابل، رویکردهای وابسته جزئی از رویکردهای جامع‌تر هستند. اندازه دیدگاه‌ها، ابعاد دیدگاه را از نظر عمق و گستردگی نشان می‌دهد. دیدگاه‌های بزرگ، جای کار بیشتری برای مطالعه و بررسی داشته و قابلیت‌های آن‌ها حداقل در زمینهٔ نظری بیشتر از دیدگاه‌های کوچک است. بر این اساس می‌توان دیدگاه‌ها را در ۴دستهٔ: کوچک، متوسط، بزرگ و بسیار بزرگ دسته‌بندی کرد.

از میان ۴۲رویکرد یافته‌شده، رویکردی که بتوان از نظر ماهیتی آن را نظریه دانست، پیدا نشد. دسته‌بندی ۴۲رویکرد شناسایی‌شده در جدول ۱، قابل مشاهده است.

دسته‌بندی تعیین‌کننده برای معرفی رویکردها، دسته‌بندی براساس ماهیت رویکردهاست. ناگفته پیداست که اهمیت این رویکردها، با توجه به نوع آن‌ها متفاوت است و هریک از ارزش و ظرفیت مشخصی برای بررسی برخوردارند. بنابر هدف این پژوهش که مبتنی‌بر سه اصل: جامعیت، اجرایی بودن و تعمیم‌پذیری نسبی دیدگاه‌های منتخب است، از میان ۵دسته ماهوی، تنها به بررسی الگوهای جامع پرداخته می‌شود، تا از میان آن‌ها، بهترین دیدگاه با توجه به زمینه و

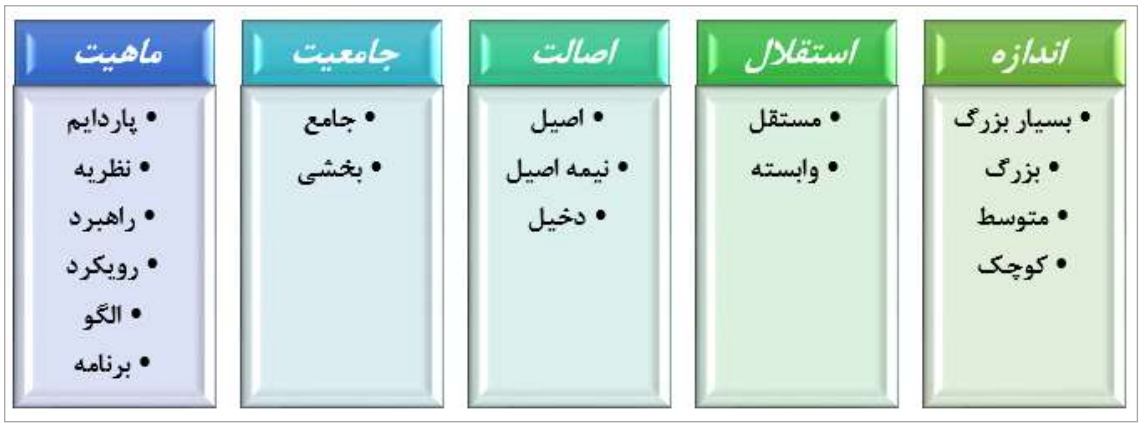

تصویر ۲. دسته‌بندی‌های رویکردهای نوین مواجهه با اسکان غیررسمی (نگارندگان)

جدول ۱. دسته‌بندی رویکردهای نوین جهانی

نام رویکرد	ماهیت	جامعیت	اصالت	استقلال	اندازه
ارتقابخشی درجا	الگو	جامع	اصیل	مستقل	متوسط
شهرگستر	الگو	جامع	اصیل	مستقل	بزرگ
آفرینش مکان	رویکرد	بخشی	دخیل	مستقل	متوسط
خودیاری کمک‌شده	رویکرد	جامع	اصیل	مستقل	متوسط
رسمیت بخشیدن و امنیت تصرف	راهبرد	جامع	اصیل	مستقل	متوسط
مسکن استیجاری	الگو	جامع	اصیل	مستقل	متوسط
توانمندسازی	پارادایم	جامع	اصیل	مستقل	بزرگ
توسعه پایدار	پارادایم	جامع	دخیل	مستقل	بسیار بزرگ
نظارت شهری جهانی	راهبرد	بخشی	دخیل	وابسته	متوسط
برنامهٔ بهترین اقدامات و رهبری محلی	راهبرد	بخشی	دخیل	وابسته	متوسط
قانونی‌سازی	راهبرد	جامع	اصیل	مستقل	متوسط
نظم و نسق‌بخشی	راهبرد	جامع	اصیل	مستقل	متوسط

ادامه جدول ۱. دسته‌بندی رویکردهای نوین جهانی

نام رویکرد	ماهیت	جامعیت	اصالت	استقلال	اندازه
بازآفرینی	رویکرد	جامع	نیمه اصیل	مستقل	بزرگ
پشتیبانی شهری	برنامه	بخشی	دخیل	وابسته	کوچک
ظرفیت‌سازی	رویکرد	بخشی	دخیل	وابسته	بزرگ
شهر دربرگیرنده	رویکرد	جامع	نیمه اصیل	مستقل	متوسط
بازتنظیم زمین	الگو	بخشی	دخیل	وابسته	کوچک
یارانه	راهبرد	بخشی	دخیل	وابسته	کوچک
اجتماع‌محوری	رویکرد	بخشی	دخیل	وابسته	بزرگ
راهبرد توسعه شهری	الگو	جامع	نیمه اصیل	مستقل	بزرگ
تسهیل بهسازی	الگو	جامع	اصیل	وابسته	متوسط
ظرفیت‌سازی اجتماع‌محور	رویکرد	جامع	نیمه اصیل	وابسته	متوسط
شهر بی‌زاغه	برنامه	جامع	اصیل	مستقل	بزرگ
حق شهر	پارادایم	جامع	دخیل	مستقل	بسیار بزرگ
اشتراک زمین	الگو	بخشی	دخیل	وابسته	کوچک
بانکداری زمین	الگو	بخشی	دخیل	وابسته	کوچک
مسکن همکارانه	الگو	جامع	اصیل	مستقل	متوسط
پروژه نمایش‌دهنده	الگو	جامع	دخیل	مستقل	کوچک
احیای درونی	رویکرد	جامع	دخیل	مستقل	بزرگ
راهبرد جهانی مسکن	برنامه	جامع	اصیل	وابسته	بزرگ
حقوق بشر مسکن	برنامه	جامع	دخیل	وابسته	متوسط
برنامه جهانی سرپناه	برنامه	جامع	دخیل	وابسته	بزرگ
فناوری مشارکت	الگو	بخشی	دخیل	وابسته	کوچک
برنامه پیشتاز مدیریت رشد شهری	برنامه	بخشی	دخیل	وابسته	کوچک
چارچوب ارزیابی حکمرانی زمین	برنامه	بخشی	دخیل	وابسته	کوچک
دیوار کامل	الگو	بخشی	اصیل	مستقل	کوچک
مدیریت محله‌ای	راهبرد	بخشی	دخیل	وابسته	کوچک
ساماندهی روش‌محور	رویکرد	جامع	اصیل	وابسته	متوسط
احیای مسکن برای سکونت‌گاه‌های غیررسمی ادغام‌شده	رویکرد	جامع	اصیل	وابسته	متوسط
چرخه	الگو	بخشی	اصیل	مستقل	متوسط
بان مانکونگ	الگو	بخشی	اصیل	وابسته	متوسط
تراست زمین اجتماع	الگو	بخشی	دخیل	وابسته	متوسط

(نگارندگان)

براساس نظرات کارشناسان، انتخاب شود. از میان ۴۲دیدگاه شناسایی و دسته‌بندی شده، ۶الگو: ارتقابخشی درجا، شهرگستر، مسکن استیجاری، راهبرد توسعه شهری، مسکن همکارانه و پروژه‌های نمایش‌دهنده، جامع هستند و قابلیت ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی را دارند. درباره هریک از ۶الگو توضیحاتی می‌شود.

الگوهای نوین جامع مواجهه با اسکان غیررسمی

مفهوم الگو در این نوشتار با مفهوم الگو از نظر "کوهن" قرابت معنایی بسیاری دارد. در اینجا الگوها روی موضوعی خاص با جزییاتی بسیار مناسب تمرکز کرده و برنامه، نظریه، کاربرد و ابزار را درون خود دارند. الگوها رویکردهایی هستند که روی موضوع تمرکز کافی داشته و پیچیدگی آن‌ها از راهبردها نیز بیشتر است. اکثر الگوها یا اصیل بوده و یا از حوزه‌ای نزدیک به حوزه اسکان غیررسمی وارد شده‌اند چراکه خاصیت الگو چنین اقتضا می‌کند.

الگوی ارتقابخشی درجا[۳]

منظور عام از ارتقابخشی درجا، ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی بدون نیاز به جابه‌جایی است. این روش، ارزان‌ترین و انسانی‌ترین روش برای تأمین مسکن است. این الگو بیشتر از پروژه‌های مکان‌یابی مجدد، به کاهش فقر و آسیب‌پذیری و افزایش شمولیت اجتماعی منجر می‌شود چراکه پروژه‌های مکان‌یابی باعث ایجاد اختلال‌های اجتماعی- اقتصادی می‌شوند (Huchzermeyer, 2006: 39 ;UN-Habitat and UNESCAP, 2008 a: 77). در این برنامه، شهرداری به‌عنوان یک توسعه‌دهنده عمل می‌کند. یعنی تمام مسئولیت‌های برنامه‌ریزی و فعالیت‌های پروژه‌محور را برعهده می‌گیرد. فرض اصلی چنین برنامه‌ای بر این است که: اولاً ساکنان زیرساخت‌های بهسازی‌شده را می‌خواهند و ثانیاً می‌خواهند این زیرساخت‌ها را از طریق شهرداری دریافت کنند (Patel, 2013: 214).

ساماندهی درجا دارای مزایای بی‌شماری است ازجمله:

- مشوق مشارکت است و مردم را درکنار هم قرار می‌دهد؛ و این یعنی حفظ انسجام و تأمین ثبات اجتماعی.
- به مردم انگیزهٔ سرمایه‌گذاری می‌دهد؛ که از طریق تأمین امنیت تصرف و سکونت امکان‌پذیر است.
- دارایی‌ساز می‌شود؛ قیمت املاک افزایش می‌یابد و امکان فعالیت‌های جنبی در مسکن فراهم می‌شود.
- سیمای سکونت‌گاه را بهبود می‌بخشد؛ با تراکم بهتر، زمین برای استفاده‌های عمومی هم خالی می شود.
- از طریق اهمیت یافتن سکونت‌گاه و افزایش مشارکت ساکنان باعث حس افتخار و غرور می‌شود.
- رفاه را ارتقا می‌بخشد و درآمدها را بالا می‌برد (UN-Habitat and UNESCAP, 2008 a: 91).

الگوی شهرگستر[۴]

یکی از راه‌های معقول جلوگیری از صرف هزینه‌های بسیار زیاد، رویکرد شهرگستر مشارکتی است که می‌تواند عرصه‌ای برای عملیاتی کردن ایدهٔ حکمروایی خوب شهری نیز باشد (UN millennium project, 2005: 66). مطابق این راهبرد، مردم می توانند دسترسی سریع به زمین و زیرساخت داشته باشند؛ قبل از آنکه سکونت‌گاه غیررسمی جدیدی را به وجود آورند (صرافی و محمدی، ۱۳۸۴). دیگر نمی‌توان چالش اسکان غیررسمی را به مشکل مسکن، خلاصه کرد بلکه می‌بایست آن را پدیده‌ای همراه با تغییرات ساختاری اجتماعی دانست؛ دیگر راه‌حل تأمین مسکن نیست بلکه به مشارکت چندبخشی، تعهد و تحمل سیاسی نیاز است (Huchzermeyer, 2006: 77). بهبود اوضاع سکونت‌گاه‌های غیررسمی، یک پروژه یا تمرین فنّی نیست بلکه برنامه‌ای سیاسی و اجتماعی است. همچنین این برنامه باید جزئی از برنامه‌های شهری و ملی باشد و در سیستم سیاسی و برنامه‌ریزی کنونی گنجانده شود (UN-Habitat, 2003: 39).

در به‌کارگیری دیدگاه شهرگستر و تعمیم تجارب از پروژه به کل شهر، ۶ پیش‌نیاز مهم وجود دارد:

۱. ایجاد پایگاه اطلاعاتی مناسب برای سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حذف موانع قانونی و فرایندی؛
۲. تدوین راهبرد طرح و نقشه برای سکونت‌گاه‌های غیررسمی: منظور تهیه هم‌زمان برنامه‌های پیشنهادی مثل برنامهٔ توسعهٔ مشارکتی و طرح همچون نقشهٔ کاربری اراضی است؛
۳. ایجاد نظامات مالی و اتخاذ دیدگاه طولانی مدت (Imparato & Ruster, 2003: 21)؛
۴. پیوند افقی بیشتر بین جوامع فقیر؛
۵. اتاق فکرهای بیشتر برای سیاست‌گذاری قوی و سرمایه‌گذاری عمومی بیشتر در زیرساخت‌های عمومی؛
۶. سرمایه‌گذاری بیشتر در چشم‌انداز و ظرفیت‌سازی (UN-Habitat and UNESCAP, 2008 a: 82).

الگوی مسکن استیجاری[۵]

این راه‌حل قدیمی، هم‌اکنون بسیار مورد توجه سازمان‌ها و دولت‌های مختلف ازجمله هبیتات است. دلیل محبوبیت دوباره این دیدگاه ساده است؛ تملک مسکن دارای هزینه‌های زیادی و خارج از دسترس بسیاری از فقراست، پس مسکن استیجاری قابل استطاعت‌ترین گزینهٔ ممکن است. باوجود مزایای فراوان

مسکن استیجاری، در مواجهه با اسکان غیررسمی، خیلی به آن بها داده نشد؛ تا اینکه در سال ۱۹۸۹ گروه کارشناسی سازمان ملل بیان کرد دولت‌ها باید در برنامه‌های خود تجدید نظر کرده و راهبردهای مناسبی را جهت دستیابی به مسکن اجاره‌ای برای گروه‌هایی که تملک مسکن برای آن‌ها دشوار است، اتخاذ کنند (UN-Habitat, 2006: 101). در سال ۱۹۹۶ "دوراند لاسرو" با بررسی دربارهٔ تجربهٔ بانک جهانی در اصلاح شرایط مناطق فقیرنشین نتیجه گرفت اجاره‌داریِ مطمئن، تنها راهی است که می‌توان از آن برای جلوگیری از اخراج ساکنان از یک منطقهٔ مسکونی مجهز و جدید استفاده کرد. کاربرد این روش برای پوشش زیربناها و تأمین هزینه‌های مربوط به تحویل خدمات ضروری است (ورولین، ۱۳۸۹: ۷۲).

الگوی راهبرد توسعهٔ شهر[۶]

راهبرد توسعهٔ شهری یک برنامهٔ عملیاتی از سوی سازمان ائتلاف شهرها و درجهت برنامهٔ شهرهای بدون زاغه است که سال ۱۹۹۹ به دست "نلسون ماندلا" آغاز شد (ADB, 2004: 11).[۷] این برنامه بر فرایند تغییر، تمرکز و بر تحرک و پویایی شهری تأکید داشته و برای مسائل اقتصادی موجود در یک محیط رقابتی، راهبردی منعطف تدوین می‌کند. راهبرد توسعهٔ شهری جایگزینی برای طرح جامع یا کاربری زمین یا سایر طرح‌های شهری نیست، بلکه این طرح‌ها مکملی برای راهبرد توسعهٔ شهری هستند. به‌صورتی خلاصه می‌توان گفت راهبرد توسعهٔ شهری فرایند مشارکتی برای درگیر کردن ذی‌نفعان است تا بتوانند به چشم‌اندازی مشترکی برای شهر برسند (Ibid).

برنامه راهبرد توسعهٔ شهری یا CDS که ائتلاف شهرها بر آن تأکید می‌کند در ۴بخش به سکونت‌گاه‌های غیررسمی می‌کند:

- حمایت از فرایند ایجاد توافق همگانی شهر- پایه با مشخص کردن توسعه با اولویت‌ها، راهبردها و فعالیت‌ها؛
- ارزیابی چشم‌انداز رشد اقتصادی شهر در هم‌پیوندی با اشتغال و توسعه منطقه‌ای و ملی؛
- کمک به مدیران محلی در ترسیم راهبردهای تأمین مالی و سرمایه گذاری با توجه به منابع و درآمدهای شهر- پایه و سرمایه‌گذاران و شریکان بخش خصوصی؛
- ظرفیت‌سازی و تشریک آموزه‌ها در تدوین و اجرای راهبردها (سازمان ائتلاف شهرها، ۱۳۸۱: ۷۱).

الگوی تسهیل بهسازی[۸]

تسهیل بهسازی زاغه که به رویکرد SUF معروف است، یکی از رویکردهای جدید هبیتات برای ساماندهی اسکان غیررسمی است که بر جنبه‌های مالی تمرکز دارد. هدف این رویکرد، آوردن منابع مالی به پروژه‌های بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی است (Jones, 2012: 771). برنامه تسهیل بهسازی زاغه‌ها که سال ۲۰۰۴ سازمان اسکان بشر آن را پایه‌ریزی کرده است، یک فرضیه اساسی دارد؛ اینکه تنها زمانی سکونت‌گاه‌های غیررسمی می‌توانند با موفقیت بهسازی شوند که ساکنان آن‌ها به‌طور جدی در برنامه‌ریزی و طراحی بهسازی درگیر شوند و بتوانند با سایر مداخله گران کلیدی همکاری قوی داشته باشند (اسکندری و فتح‌جلالی، ۱۳۸۹: ۹۳).

برنامه تسهیل بهسازی زاغه ها برای انجام اقدامات چند پیش‌فرض مفهومی را در نظر می‌گیرد:

- وجود یک استراتژی فرضی برای شناسایی پارامترهای لازم برای پروژه‌ها و ارائهٔ توافقات؛
- لزوم سکونت دادن کارگران در سیستم‌های مدیریت شهری استراتژیکِ کم‌درآمدها در هسته‌های شهری؛
- برآورد برنامه‌ریزی برای دسترسی به زمین و خدمات برای کم درآمدها در دو وجه: کمّی و کیفی همواره کمتر از حد نیاز بوده است؛
- از نقش زنان در موفقیت برنامه‌ها نمی‌توان چشم‌پوشی کرد (همان: ۹۴).

فرض اصلی الگوی مذکور این است که مردم ساکن در اسکان غیررسمی مایل به گرفتن وام و قادر به بازپرداخت آن بوده و این سکونت‌گاه‌ها برای بانک‌ها و سرمایه‌گذاران، جذّاب هستند (Jones, 2012: 779). هدف پروژه‌های تسهیل بهسازی، هدایت مالی و تحریک بودجه‌های تجاری به وسیلهٔ تسهیلات مالی محلی است تا جوامع فقیر بتوانند با دسترسی به منابع مالی به استطاعت تملک مسکن برسند. این برنامه تا سال ۲۰۱۰ تنها ۳ پروژه انجام داد که ۲مورد از آن‌ها جمعاً کمتر از ۱۰۰ خانوار را دربر می‌گرفت. ازجمله اقدامات انجام‌شده در این پروژه‌ها می‌توان به اعطای وام مالی و سند مالکیت اشاره کرد (Das, 2016: 11).

الگوی مسکن همکارانه[۹]

اگرچه ایدهٔ مسکن همکارانه چندان جدید نیست و به انحای گوناگون، در کشورهای مختلف انجام شده، اما ظهور آن به‌عنوان یک ایدهٔ مستقل جهانی، جدید است. در دستور کار هبیتات بیان شده دیدگاه همکارانه با توجه به ارائهٔ اصولی درباب تقویت راهبردهای توانمندسازی و مشارکت، دارای نقشی غالب و اساسی است. مسکن همکارانه که خود درجهت هدف اصلی تهیهٔ مسکن کافی برای همگان است، سه پایهٔ عملکردی دارد:

- توانمندسازی خانوارها برای پس‌انداز منابع جهت تملک و توسعهٔ زمین و مسکن؛
- تسهیل دسترسی به منابع مالی؛
- توانمندسازی گروه‌ها برای تجمیع قوا و کاهش هزینه‌های ساخت (UN-Habitat, 2006: 72).

در زیمباوه بیش از ۱۲۰۰ پروژهٔ مسکن همکارانه انجام شده که نتیجه آن ساخت بیش از ۴۵۰۰۰ واحد مسکونی بوده است. در هند نیز تخمین زده می‌شود که بالغ بر ۸۰۰۰۰۰ واحد مسکونی با همین ایده ساخته شده باشد (Ibid: 73). به نسبت خوب بودن ایدهٔ مسکن همکارانه، به‌طور وسیع از آن استقبال جهانی نشده است. عمده‌ترین دلیل، دسترسی سخت به منابع مالی است. ۴منبع مالی اصلی این ایده عبارت‌اند از:

سرمایه‌گذاری داخلی خود اعضا که پس‌انداز و یا قرض کرده‌اند؛

- سرمایه‌های خارجی از مؤسسات مالی همکار همانند بانک‌های همکار؛
- سرمایهٔ خارجی از سایر مؤسسات مالی رسمی مثل سازمان‌های مسئول برنامه‌های دولتی؛
- کمک‌های مالی بین‌المللی(Ibid: 73) .

الگوی پروژه نمایش‌دهنده[10]

پروژهٔ نمایش‌دهنده، پروژه‌ای نسبتاً کوچک‌مقیاس با تأمین هزینهٔ مستقل یا کمک فنّی است که تلاش می‌کند، دیدگاهی جدید را نمایش دهد. پروژه‌های نمایش‌دهنده برای تمرین مشارکت میان بخش‌های عمومی و خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد و اجتماع‌محور نیز کارآ هستند. از نمونه‌های معروف این‌گونه پروژه‌ها می‌توان به پروژهٔ مشارکتی "اورنگی" در کراچی پاکستان، پروژهٔ "ماهیلامیلان" در هند و همچنین پروژهٔ "باریو سن‌خورخه" واقع در سن فرناندوی آرژانتین اشاره نمود .(Ibid: 74)پروژه‌های نمایش‌دهنده می‌بایست در مسیری پایدار، طراحی و اجرا شوند. علاوه‌بر سرزندگی مالی، این پروژه‌ها پیش‌نیازهای دیگری نیز دارند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان: مشارکت (میان مداخله‌گران اصلی)، اقتصاد (صرفه اقتصادی)، پس‌انداز اجتماع (ظرفیت‌سازی، همکاری، کاهش فقر، فناوری (مشارکت‌پذیری، قابلیت اجرا، قابلیت مدیریت) و قابلیت تعمیم محیط (بهداشت و بهبود محیطی) دانست (Ibid: 74).

شاخص‌ها و معیارهای انتخاب الگوی برتر

پس از بررسی منابع موجود در این زمینه، ۴۳شاخص برای انتخاب الگوی برتر شناسایی شد. ناگفته پیداست که ۴۳شاخص برای انتخاب رویکردهای نوین برتر و مقایسات زوجی در تکنیک AHP بی‌شمار و غیرقابل بررسی خواهد بود و باید از برخی شاخص‌ها چشم‌پوشی کرد. بنابراین براساس ۴عامل: عمومیت، جامعیت، اهمیت و تناسب با چارچوب نظری پژوهش، رویکردهای برتر باید:

تعمیم‌پذیر، اجرایی و عملی، مشارکتی، بومی و زمینه‌گرا، دارای خروجی ملموس، سنجش‌پذیر، و شفاف و متنوع و دربرگیرنده باشند (ICF, 2014: 21, 24; Imparato & Ruster, 2003: 13; UN-Habitat, 2003: 90; Cities alliance, 2013: 87; UN-Habitat, 2006: 29; UN-Habitat, 2008 b: 41; Majale, 2011: 278; Das, 2016: 13)

نتایج و یافته‌ها

اگرچه هدف پژوهش حاضر، یافتن الگوی مناسب برای مواجهه با اسکان غیررسمی در ایران است، اما شناسایی دیدگاه‌ها و دسته‌بندی آن‌ها نیز از دیگر اهداف است که در بخش‌های پیشین پژوهش به آن‌ها اشاره شد. برای انتخاب دیدگاه‌ها، از تکنیک فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی دلفی استفاده شده که فرایند خلاصه‌شده‌ای بدین قرار دارد:

۱. تشکیل ماتریس مقایسات زوجی معیارها (شاخص‌های انتخاب الگوها) با طیف امتیازدهی اعداد ۱ تا ۹ برای برتری، و معکوس آن برای ضعف معیارها نسبت به یکدیگر و مشخص شدن وزن هر معیار به‌گونه‌ای که جمع وزن معیارها عدد ۱ شود.
۲. تشکیل ماتریس زوجی مقایسه گزینه‌ها (الگوهای جامع ساماندهی) براساس هریک از معیارها با طیف عدد ۱ تا ۹ برای برتری و معکوس آن برای ضعف گزینه‌ها نسبت به یکدیگر و مشخص شدن وزن هر گزینه به‌گونه‌ای که جمع وزن گزینه‌ها براساس هر معیار عدد ۱ شود.
۳. به دست آوردن نمرات نهایی گزینه‌ها براساس وزن آن‌ها در ماتریس‌های گزینه‌ها و وزن هر معیار.
۴. کنترل درستی قضاوت‌ها به‌گونه‌ای که ضریب ناسازگاری ماتریس‌ها حداکثر ۱/. شود.

در پژوهش حاضر از نرم‌افزار اکسپرت چویس۱۱[11] برای انجام محاسبات تشکیل ماتریس و وزن‌های ahp استفاده شده است. کار با این نرم‌افزار، ساده و عملکرد آن دقیق و سریع بوده و مهم‌تر از آن، هنگام تشکیل ماتریس‌ها، هم‌زمان با وارد کردن اعداد، ضریب ناسازگاری امتیازات را محاسبه و از قضاوت اشتباه و اتلاف وقت جلوگیری می‌کند. برای تشکیل ماتریس مقایسات زوجی، از میانگین نظرات کارشناسان استفاده شده است. اعداد اعشاری به نزدیک‌ترین عدد گرد شده و پس از

وارد کردن در نرم‌افزار، کاربر تغییراتی جزئی در آن‌ها اعمال کرده، به‌گونه‌ای که ضریب ناسازگاری در هیچ ماتریسی از ۰۳/. بیشتر نگردد. به علت اهمیت ماتریس مقایساتِ زوجی معیارها، اعداد خام این ماتریس و اوزان سایر ماتریس‌ها در جدول‌های ۲ و ۳ خلاصه شده‌اند.

همان‌گونه که در جدول۳ نمایش داده شده، دیدگاه ارتقابخشی درجا با اختلافی اندک نسبت به مسکن همکارانه به‌عنوان بهترین الگو برای ساماندهی سکونت‌گاه های غیررسمی انتخاب شده است. علت این انتخاب، کسب نمرات نسبتاً بالای این الگو درباره ۴ معیار، خصوصاً معیارهای بومی و زمینه‌گرا بودن و اجرایی و عملی بودن است که دارای ضرایب بالایی بین معیارهای هفت‌گانه هستند. این نتایج نشان می‌دهد ارتقابخشی درجا به‌عنوان دیدگاهی مترقی در ایران قابلیت پیاده‌سازی دارد. همچنین مسکن همکارانه نیز می‌تواند در برنامه‌های آتیِ مدیران و مسئولین ملی، شهری و محلی جایگاهی داشته باشد.

برای تحلیل میزان تأثیر وزن‌دهی معیارها و با استفاده از تابع گراف حساسیت نرم‌افزار expert choice، نموداری مقایسه‌ای بین دو حالت: وزن‌دار بودن معیارها (حالت پیش‌فرض) و هم‌وزن بودن معیارها ترسیم شده است (تصویر۳). این نمودار نشان می‌دهد در حالتی که بین اهمیت معیارهای متفاوت، اولویتی وجود نداشته باشد، الگوی راهبرد توسعه شهری بهترین الگو برای ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی خواهد بود. این نتیجه، خود گواهی بر ادعای طرفداران الگوی راهبرد شهری است که آن را الگویی همه‌جانبه برای کاهش فقر در تمام زمینه‌ها می‌دانند. همچنین الگوی شهرگستر که امروزه بسیار مورد توجه جهانی قرار دارد، به علت فراهم نبودن شرایط (توجه به معیار بومی و زمینه‌گرا بودن) الگوی مناسبی برای ساماندهی نیست و درصورت تغییر سیاست‌های کلان، می‌تواند الگویی کامل برای ایران به شمار آید. این الگو یکی از الگوهای محبوب سازمان‌های بین‌المللی ازجمله هبیتات است. می‌توان گفت همه این الگوها مزایا و معایب خاص خود را دارند و هدف و اولویت پژوهش است که الگوی مناسب را تعیین می‌کند.

نتایج و یافته‌های این پژوهش تنها به انتخاب گزینه‌ها محدود نمی‌شود و در دو بخش: شناسایی و دسته‌بندی دیدگاه‌ها نیز یافته‌های جالبی به دست آمد. از نتایج قابل توجه درباره شناسایی دیدگاه‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد؛ هیچ‌یک از

جدول ۲. ماتریس مقایسات زوجی معیارها

	قابلیت تعمیم	اجرایی و عملی بودن	مشارکتی بودن	بومی و زمینه‌گرا بودن	خروجی مشخص داشتن	سنجش‌پذیر و شفاف بودن	متنوع و دربرگیرنده بودن
قابلیت تعمیم	*	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{5}$	$\frac{1}{2}$	2	$\frac{1}{2}$
اجرایی و عملی بودن	*	*	2	$\frac{1}{3}$	5	5	2
مشارکتی بودن	*	*	*	$\frac{1}{3}$	4	4	
بومی و زمینه‌گرا بودن	*	*	*	*	8	7	3
خروجی مشخص داشتن	*	*	*	*	*	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$
سنجش‌پذیر و شفاف بودن	*	*	*	*	*	*	$\frac{1}{3}$
متنوع و دربرگیرنده بودن	*	*	*	*	*	*	*

(نگارندگان)

دیدگاه‌های شناسایی‌شده، معیارهای یک نظریه را دارا نبوده و از نظر مفهومی، شکافی بزرگ در ادبیات جهانی این حوزه دیده می‌شود. این در حالی است که ۱۷ دیدگاه، خاصیتی الگوگونه دارند. این تضاد شناسایی‌شده در بررسی دیدگاه‌های نوین ساماندهی، نشان‌دهنده اهمیت عملی و اجرایی بودن دیدگاه‌هاست. از دیگر یافته‌های این پژوهش می‌توان به تأثیر شناسایی دیدگاه‌های جدید ساماندهی اسکان غیررسمی در روزآمد کردن ادبیات این حوزه در ایران اشاره نمود. از میان ۴۲ دیدگاه شناخته‌شده، درباره ۹ دیدگاه، تاکنون هیچ مطلبی به زبان فارسی منتشر نشده است. همچنین درباره ۱۱ دیدگاه، مطالب منتشرشده تنها در حد اشاره و معرفی کوتاه بود و عملاً این دیدگاه‌ها راهی به ادبیات این حوزه در ایران نیافته بودند. برخی از دیدگاه‌ها همچون توسعه پایدار و راهبرد توسعه شهری، اگرچه مفصلاً مورد بحث قرار گرفته اما آن‌گونه که شایسته است، در ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی کشور از آن‌ها استفاده نشده بود. شناسایی و معرفی کوتاه این دیدگاه‌ها در پژوهش حاضر می‌تواند به‌عنوان سرنخی برای پژوهش‌های بیشتر در زمینه اسکان غیررسمی مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از نتایج جالب توجه این پژوهش، به سیر تاریخی تدوین دیدگاه‌ها بر می‌گردد. با این‌که درباره زمان تدوین برخی از دیدگاه‌ها، اطلاعاتی وجود ندارد و در مورد برخی دیگر نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت، اما به‌صورت کلی می‌توان در تدوین دیدگاه‌ها توالی مفهومی را از عرصه نظر به عرصه عمل درک کرد. پارادایم‌ها قدیمی‌ترین دیدگاه‌ها و الگوها جدیدترین آن‌ها هستند. شاید علت این امر، پاسخ درست به نیاز واقعی اسکان غیررسمی و ویژگی ذاتی این دیدگاه‌ها باشد.

یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش، جدول دسته‌بندی دیدگاه‌های نوین مواجهه با اسکان غیررسمی (جدول ۱) است که با کمک روش کیفی معتبر نظریه زمینه‌ای به دست آمده و می‌تواند مبنایی برای بررسی دیدگاه‌ها باشد. برچسب‌گذاری استفاده‌شده در این جدول که حاصل کدگذاری مرکزی مؤلفه‌ها در حوزهٔ نظری بررسی دیدگاه‌هاست، می‌تواند در تعیین اولویت‌ها برای ساماندهی نمونه‌های موردی متفاوت، به کار رود. برای مثال اگر هدف پژوهشی، تعیین یک راهبرد متوسط برای ساماندهی یک سکونت‌گاه به‌خصوص باشد، می‌توان ۴راهبرد: نظارت شهری جهانی، برنامه بهترین اقدامات و رهبری محلی، قانونی‌سازی و نظم و نسق‌بخشی را در بوته ارزیابی و انتخاب قرار داد.

نتایج و یافته‌های این پژوهش می‌تواند به‌عنوان بخشی از یک پژوهش بزرگ‌تر در نظر گرفته شود. برای مثال می‌توان با اضافه کردن یک نمونه موردی، ویژگی‌های این نمونه موردی را با توجه به یک‌سری شاخص‌ها سنجید و با روش‌های متفاوتی مثل روش ترکیبی اسمارت- شانون،[۱۲] یا سایر روش‌های آنتروپی، مستقیماً الگو/ راهبرد/ رویکرد یا برنامه‌های نوین

جدول ۳. ماتریس اوزان نهایی گزینه‌ها

معیار	قابلیت تعمیم	اجرایی و عملی بودن	مشارکتی بودن	بومی و زمینه‌گرا بودن	خروجی مشخص داشتن	سنجش‌پذیر و شفاف بودن	متنوع و دربرگیرنده بودن	مجموع
وزن	۰/۰۶۶	۰/۲۰۳	۰/۱۲	۰/۳۷۷	۰/۰۳۲	۰/۰۴۴	۰/۱۵۹	۱
ارتقابخشی درجا	۰/۱۸۵	۰/۳۲۷	۰/۱۰۲	۰/۲۰۷	۰/۰۶۸	۰/۰۹۸	/۲۳۳	۰/۲۱۱
شهرگستر	۰/۱۱۵	۰/۰۴۱	۰/۰۶۳	۰/۰۴	۰/۳۲۲	۰/۲۶	۰/۳۷۸	۰/۱۲۱
مسکن استیجاری	۰/۰۳۳	۰/۲۴۹	۰/۰۳۴	۰/۱۵۳	۰/۱۳۴	۰/۰۳۷	۰/۰۵۲	۰/۱۲۹
راهبرد توسعه شهری	۰/۴۵۹	۰/۱۱۹	۰/۱۶۳	۰/۱۱۷	۰/۲۳۵	۰/۳۳۳	۰/۱۴۳	۰/۱۶۳
SUF	۰/۰۶۵	۰/۰۶	۰/۰۴۱	۰/۶۳	۰/۰۳	۰/۰۳۸	۰/۰۳۴	۰/۰۵۳
مسکن همکارانه	۰/۰۹۸	۰/۰۹۸	۰/۳۴۶	۰/۳۲۴	۰/۱۰۱	۰/۰۵۹	۰/۰۸۴	۰/۲۰۹
پروژه‌های نمایش‌دهنده	۰/۰۴۵	۰/۱۰۶	۰/۲۵۱	۰/۰۹۶	۰/۱۱	۰/۱۷۴	۰/۰۸۴	۰/۱۱۵
ضریب ناسازگاری	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۲

(نگارندگان)

را برای یک شهر خاص، رتبه‌بندی یا امکان‌سنجی کرد. بدین منظور باید شاخص‌های نمونه موردی را با ترکیبی از نظرات کارشناسان و ساکنان سنجید و پس از تجمیع نظرات و نرمال سازی آن‌ها در مدل‌های ترکیبی وارد کرد.

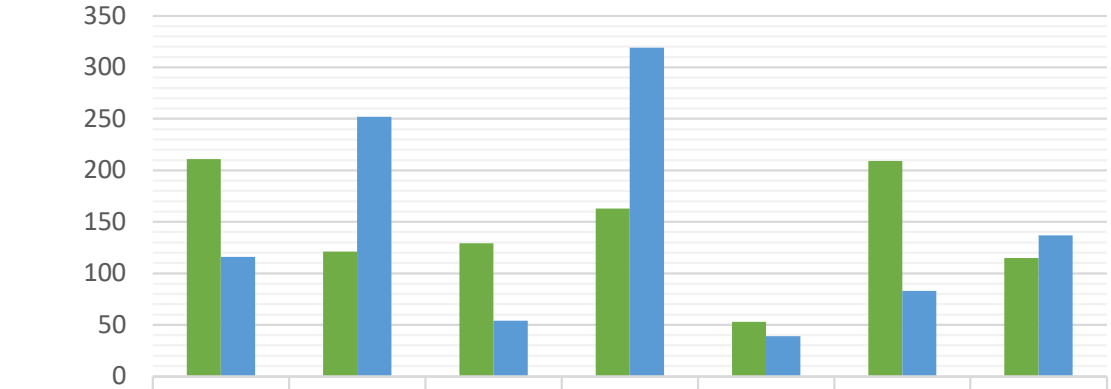

	ساماندهی درجا	شهر گستر	مسکن استیجاری	راهبرد توسعه شهری	SUF	مسکن همکارانه	پروژه نمایش‌دهنده
معیار وزنی	211	121	129	163	53	209	115
معیار هموزن	116	252	54	319	39	83	137

تصویر ۳. مقایسه گزینه‌ها در دو حالت: معیارهای هم‌وزن و معیارهای وزنی (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

آمارها نشان می‌دهند بعد از گذشت دهه‌ها از شروع اقدامات جدی سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های مختلف، هنوز توفیقی جدی در مواجهه با اسکان غیررسمی به دست نیامده است. یکی از علل شکست نسبی اقدامات داخلی، به‌روز نبودن نحوهٔ نگاه به اسکان غیررسمی و ادبیات مواجهه با آن است. اکنون بعد از گذشت دو دهه از به‌کارگیری دیدگاه توانمندسازی به‌عنوان نوعی مهندسیِ اجتماعی، شایسته است، دیدگاه‌های پس از آن نیز بررسی شوند. اکنون حداقل ۴۲دیدگاه مواجهه با اسکان غیررسمی بعد از توانمندسازی تدوین شده که البته اکثریت آن‌ها، هم‌سو با اصول توانمندسازی و دو پارادایم: توسعه پایدار و حق شهر هستند. این دیدگاه‌ها از نظر مفهومی شامل: پارادایم، رویکرد، راهبرد، برنامه و الگو هستند و در آن شکاف نبود نظریه در سلسله‌مراتب مفهومی حس می شود. این دیدگاه‌ها مطابق روش نظریه زمینه‌ای دارای ۴دسته‌بندی دیگر براساس اصالت، جامعیت، استقلال و اندازه نیز هستند. این دسته‌بندی‌ها می‌توانند به تصمیم‌گیری‌های هدفمند و اولویت‌سنجی دیدگاه‌ها کمک کنند. از میان دسته‌های مختلف دسته‌بندی مفهومی، می‌توان دسته الگو را مطابق با نیاز امروز اسکان غیررسمی در ایران دانست. با توجه به هدف پژوهش که یافتن و انتخاب کردن الگویی جامع برای ساماندهی اسکان غیررسمی در ایران است، الگوی ارتقابخشی درجا دیدگاه برتر شناخته شده است. این دیدگاه به‌عنوان یکی از پرظرفیت‌ترین دیدگاه‌ها، در سراسر جهان به محبوبیت نسبی رسیده و در برخی از کشورهای جهان به‌عنوان دیدگاه اصلی بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی انتخاب شده است. همچنین دیدگاه مسکن همکارانه دارای ظرفیت‌های بسیاری برای پیاده‌سازی در ایران است. راهبرد توسعه شهری نیز با تغییر شرایط و اولویت‌ها می‌تواند الگویی مناسب برای ساماندهی اسکان غیررسمی در ایران باشد.

همچنین معرفی این دیدگاه‌ها به زبان فارسی که ظاهراً مهجور و ناشناخته به نظر می‌رسد، می‌تواند مسیری را برای پژوهش‌های آینده در حوزه اسکان غیررسمی ایجاد کند. از موضوعات مهم برای پژوهش‌های آتی می‌توان به بررسی رویکردها/ راهبردها/ برنامه‌های نوین برای ساماندهی اسکان غیررسمی در ایران یا نمونه‌های موردی و نیز

بررسی رویکردهای نوین جهانی بهسازی بافت‌های فرسوده، اشاره کرد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان دسترسی نسبتاً مشکل به کارشناسان برای استفاده از نظرات آن‌ها و زمان‌بر بودن جمع‌آوری و جمع‌بندی این نظرات اشاره نمود.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر از رساله دکتری شهرسازی اسلامی نویسنده اول، "امکان‌سنجی پیاده‌سازی دیدگاه‌های نوین جهانی برای بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی در شهر کرمانشاه"، درگروه شهرسازیِ دانشگاه هنر اصفهان استخراج شده است. نویسندگان اعلام می‌دارند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارضِ منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت

1. Grounded Theory
2. Delphi-AHP
3. In Situ Upgrading
4. City Wide
5. Leasing Housing
6. CDS
7. Asian Development Bank
8. SUF: Slum Upgrading Facility
9. Cooperative Housing
10. Demonstration Projects
11. Expert choice 11
12. SMART-Shannon

فهرست منابع

- اسکندری، ثمین و فتح‌جلالی، آرمان (۱۳۸۹). کنکاشی در برنامه تسهیل بهسازی زاغه‌ها (SUF)، *مجله هفت‌شهر*، ش ۲۹ و ۳۰، ۹۶-۸۲.
- اسماعیل‌پور، نجما (۱۳۸۹). بررسی وضعیت مسکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی و ارائه راهبردهای ساماندهی آن‌ها؛ نمونه موردی محله حسن‌آباد یزد. *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ش (۴)، ۱۱۲-۹۵.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹). **سکونت‌گاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی**. چاپ دوم، تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- پاکزاد، عرفان و سالاری، نیوشا (۱۳۹۶). **الفبای اسکان غیررسمی**. تهران: آزادپیما.
- سازمان ائتلاف شهرها (۱۳۸۱). ائتلاف برای شهرهای فاقد آلونک‌نشینی: برنامه عمل برای پیشبرد مرحله‌ای ارتقای محیط آلونک‌نشینی، ترجمه شهرزاد مهدوی، *مجله هفت‌شهر*، سال سوم، ش (۱۰و۹)، ۷۷-۶۵.
- شیعه، اسماعیل؛ حبیبی، کیومرث و کمالی‌نسب، حامد (۱۳۸۹). الگوی شناسایی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با به‌کارگیری مدل AHP در محیط GIS- نمونه موردی شهر کرج، *آرمان‌شهر*، ش (۴)، ۸۵-۷۷.
- _____ (۱۳۹۰). فرایند شکل‌گیری و گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی؛ نمونه موردی- محله سهرابیه کرج. *مجله مسکن و محیط روستا*، ش (۱۳۳)، ۴۸-۳۹.
- صرافی، مظفر و محمدی، علیرضا (۱۳۸۴). شکل‌گیری گسترش اسکان غیررسمی؛ علل، چالش‌ها و راهبردها: نمونه موردی محلهٔ ترانس در شهر زنجان. *علوم زمین*، شمارهٔ ، ۷۹-۵۹.
- کاویانی‌راد، مراد و عزیزی، سعید (۱۳۹۲). تبیین اسکان غیررسمی از دیدگاه عدالت محیطی (مطالعه موردی: روستای محمودآباد کرج). *مجله جغرافیای انتظامی*، سال اول، ش (۷۱)، ۱۰۲-۹۱.

- کلانتری، محسن؛ مشکینی، ابوالفضل؛ پیری، عیسی و زرین کاویانی، عظیم (۱۳۹۸). تحلیل ساختاری موانع توانمندسازی اجتماع‌محور در مناطق اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله بان‌بارز شهر ایلام)، *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ش (۱۰)، ۳۲-۲۱.
- گلدبرگ، ابی گابل (۱۳۸۷). پرندگان آشیانه کرده‌اند: راهبرد طراحی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، ترجمه شاهو کشاورزی، *فصلنامه هفت‌شهر*، ش (۲۳ و ۲۴)، ۱۲۷-۱۱۴.
- ورولین، هربرت (۱۳۸۹). رؤیای بهسازی سکونت‌گاه‌های فرودست شهری، ترجمه محمد وهابی، *فصلنامه هفت‌شهر*، ش (۳۰ و ۲۹)، ۸۱-۶۷.

- Abbott, J. (2002a). An analysis of informal settlement upgrading and critique of existing methodological approaches. *Habitat International*, 26(3), 303–315.
- _____. (2002b). A method-based planning framework for informal settlement upgrading. *Habitat International*, 26(3), 317–333.
- Abbott, J., & Douglas, D.J. (2001). **A methodological approach to the upgrading, in situ, of informal settlements in South Africa.** Water Research Commission Pretoria: South Africa.
- Akhmat, G., and Khan, M. M. (2011). Key interventions to solve the problems of informal abodes of the third world, due to poor infrastructure. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *19*, 56-60.
- Amanda A. (2012). A disciplining method for holding standards down:‘ how the World Bank planned Africa’s slums, *Review of African Political Economy*, 39:134, 590-613.
- Asian Development Bank (ADB). (2004). **city development strategies to reduce poverty**, ADB, Mandaluyong.
- Celhay, P. and Gil, D. (2020). The function and credibility of urban slums: Evidence on informal settlements and affordable housing in Chile. *Cities*. 99 (5). 1-40. DOI:10.1016/j.cities.2020.102605.
- Charmaz, K. (2006). **constructing Grounded theory: A practical guide through qualitative analysis**. Sage Publications: London.
- Cities alliance (2013). **Cities alliance for cities without slum: action plan for moving slum upgrading to scale**. special summary edition, cities alliance.
- Croese S, Cirolia LR, Graham N. (2016). Towards habitat III: confronting the disjuncture between global policy and local practice on Africa’s ‘challenge of slums’. *Habitat Int*. 53: 237–242.
- Das, A. (2016): Is innovative also effective? A critique of pro-poor shelter in South-East Asia, *International Journal of Housing Policy*, 18:2 233-265, DOI:10.1080/14616718.2016.1248606 .
- Ghoneim, S.A. (2014). **Slum Rehabilitation Projects: Their Sustainability and Beyond, 6th international conference: responsive urbanism in informal areas**. Habitat III. Conard-Cairo, Egypt.
- Glaser, B. G., & Strauss, A. (2009). **The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research**. Aldine: New York.
- Handcock, B., Ockleford, E. and Winderidge, K. (2009). **An introduction to qualitative** research. NHS: Nottingham (http://fa.wikipedia.org).
- Huchzermeyer, M. (1999). “The Exploration of Appropriate Informal Settlement Intervention in South Africa: Contributions from a Comparison with Brazil”, Ph.D. thesis, University of Cape town: Department of sociology.

- _____ (2006). **Informal settlement: a perpetual challenge?** Juta and company: South Africa.
- Hurskainen, P. (2004). Change detection of informal settlements using multitemporal aerial photographs; the case of Voi, SE-Kenya. **In Proceedings of the 5th AARSE conference**. Nairobi: Kenya.
- ICF, (2014). **Developing a national informal settlements upgrading strategy of Philippines.** available at: (http://www.hudcc.gov.ph/sites/default/files/styles/large/public/document/NISUS%20Final%20Report_July2014.pdf).
- Imparato, I., & Ruster, J. (2003). **Summary of slum upgrading and participation: Lessons from Latin America**. Washington, D.C.: World Bank.
- Ioannidis, C.; Psaltis, C., & Potsiou, C. (2009). Towardss a strategy for control of suburban informal buildings through automatic change detection. *Computers, Environment and Urban Systems*, 33(1), 64-74.
- Jones, B.G. (2012). Bankable Slums': the global politics of slum upgrading, *Third World Quarterly*, 33:5, 769-789.
- Khalifa, M.A. (2011). Redefining slums in Egypt: Unplanned versus unsafe areas. *Habitat International*.35.1, 40-49.
- Khan, S.N. (2014). Qualitative research method: Grounded theory, *international journal of business and management*, 9(11), 224-233.
- Lombard, M. (2014). Constructing ordinary places: Place-making in urban informal settlements in Mexico, *Progress in Planning*, 94, 1-53.
- Majale, M. (2008). Employment creation through participatory urban planning and slum upgrading: The case of Kitale, Kenya, *Habitat International*, 32(2), 270-282.
- Martínez, J., Mboup, G., Sliuzas, R., & Stein, A. (2008). Trends in urban slum indicators across developing world cities(1990-2003), *Habitat International*, 32, 86-108.
- Mohajan, H. (2018). Qualitative Research Methodology in Social Sciences and Related Subjects, *Journal of Economic Development, Environment and People*, 7, 23-48.
- Mohammed, H.K.H. (2015). **Enhancing Slum Conditions in Cairo**. Egypt- Indiana: University of Pennsylvania.
- Nabutola, W. (2004). Upgrading Informal Settlements – Kenya: Rural & Urban, *TS 24 planning, valuation and environment*., 1-16. Available at:
- (https://www.fig.net/pub/athens/papers/ts24/TS24_2_Nabutola.pdf).
- Owen, K.K. and Wong, D.W. (2013). An approach to differentiate informal settlements using spectral, texture, geomorphology and road accessibility metrics, *Applied Geography,* 38, 107-118.
- Parikh, P., Bisaga, I., Loggia, C., Georgiadou, M.C and Ojo-Aromokudu, Judith. (2020). Barriers and opportunities for participatory environmental upgrading: Case study of Havelock informal settlement, Durban. *City and Environment Interactions*. 5. 1-15.
- Patel, K. (2013). A successful slum upgrade in Durban: A case of formal change and informal continuity, *habitat international*. 40, 211- 217.
- Perlman, J. E. (2010). **Favela: Four Decades of Living on the Edge in Rio de Janeiro**. Oxford University: Oxford.

- **Poompipatpong**, **Chedthawut & Kengpol**, **Athakorn**. (2013). **An integrated AHP – Delphi group decision approach to weight engine's performance and emission parameters**. **world congress on advances in Nano**, **Biomechanics**, **Robotics and research**: **Seoul**.
- Richards, R., O'leary, B., and Mutsonziwa, K. (2006). Measuring quality of life in informal settlements in South Africa. *Social Indicators Research*, 81, 375-388.
- Saad, O.A., Fikry, M.A. and Hasan, A.E.S, (2019). Sustainable upgrading for informal areas, *Alexandria Engineering Journal*, 58, 237–249.
- Strauss, A., and Corbin, J. (1998). **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory (2nd ed.)**. Thousand Oaks, London, New Delhi: Sage Publications.
- UN Habitat. (2011). UN-HABITAT "State of the World's Cities 2010/11: Bridging the Urban Divide" ,(http://www.unhabitat.org/documents/SOWC10/R1.pdf).
- UN millennium project (2005). **A home in the city: achieving the millennium development goals**. Earth scan: London.
- Un-Habitat. (2003). **the challenge of slums: global report on human settlements 2003**. Un-Habitat: Nairobi
- _____. (2005). "global housing strategy framework document", available at: (http://www.unesco.org/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/SHS/pdf/Workshop-Social-Inclusion_UN-Habitat.pdf).
- _____. (2006). **Enabling shelter strategies: Review of experience from two decades of implementation**, UN-Habitat: Nairobi.
- _____. (2008 a). **housing the poor in Asian cities: URBANIZATION**. Bangkok: UNESCAP.
- _____. (2008b). **housing the poor in Asian cities: Low income housing**. Bangkok: UNESCAP.
- Vassudevan, A. (2015). The makeshift city: Towardss a global geography of squatting, *Progress in Human Geography*, 39, 338-359.
- **Vidal**, **Ludovic Alexander**., **Marle**, **Franke & Bocquet**, **Jean Claude**. (2011). **Using a Delphi process and the Analytic Hierarchy Process (AHP) to evaluate the complexity of projects**, *Expert Systems with Applications*, 38, 5288-5405.
- Wekesa, B.W., Steyn, G.S. anf Otieno, F.A.O. (2011). A review of physical and socio-economic characteristics and intervention approaches of informal settlements, *Habitat International*, 35, 238-245.
- World bank. (2015). **world inclusive cities approach paper**. world bank: Washington.